

 ........................................

رساله دکتری رشته اندیشه معاصر مسلمین

عنوان:

بررسی و نقد ظرفیت‌های فقه سیاسی اهل سنت در تحقق بیداری اسلامی
(با تأکید بر اندیشه سيدمحمد رشید رضا)

استاد راهنما:

دکتر محمد جواد نوروزی

استاد مشاور:

دکتر حسن غفاری فر

دانش‌پژوه:

سید محمد هادی پیشوایی

تیر ۱۳9۹

**چکيده**

فقه سياسي به عنوان يکي از دانش‌هاي محوري در علوم اسلامي، نقش تعيين کننده‌اي در ساماندهي انديشه و رفتار سياسي جهان اسلام داشته است. شکل گیری تمدن عظیم اسلامی، خود بیانگر ظرفیت عظیم اسلام در شکل دادن به اندیشه نخبگان جهان اسلام و طراحی ساختارهای نسبتا موفق برای ادارۀ جوامع اسلامی توسط آنان بوده است؛ و البته طبیعتا در این عرصه نقاط ضعفی هم وجود داشته است. اما در دوران معاصر و با آغاز انحطاط و عقب ماندگی جوامع اسلامی، امواج بیداری برای بازگشت به شکوه و عظمت گذشته اسلام شکل گرفت. ایمان به ظرفیت های عمیق اسلام و از سویی پيروزي انقلاب اسلامي ايران که مبتني بر نظريات سياسي فقه شيعه بود، اين اميد را ايجاد کرد که در فضاي اهل سنت هم جريان‌هاي اسلامي بتوانند، دولت های استبدادی، سکولار و وابستۀ این کشورها را سرنگون کرده و دولت هایی اسلامی و مستقل در این کشورها حاکم نمایند. اما علی رغم شکل گیری چندین موج بیداری در جهان اهل سنت، این امید چندان محقق نشده است. جریان اخوان المسلمین و جریانات هم سو با آن ها که مدعی میراث بری از اصلاح طلبان دینی مشهوری چون سیدجمال، عبده هستند در متن و رهبری بسیاری از این نهضت ها قرار داشتند. آنان مدعی اصلاح نقاط ضعف سنتی فقهی – کلامی اهل سنت، چون الزام تبعیت از سلطان جائر، عقل گریزی اشعری، جبرگرایی، دنیاگریزی صوفیانه و ... بوده اند. حسن البناء، بنیانگذار اخوان المسلمین، با تکیه بر آراء فقهی – کلامی رشیدرضا مدعی تأسیس سازمانی شد، که داعیه بازگشت به عظمت نظام خلافت صدر اسلام و احیاء تمدن اسلامی بود. آنان تا کنون نه تنها نتوانستند که الگوی حکومتی خویش را به گونه ای مطلوب اجرا نمایند، بلکه بعضی از انشعابات این نهضت، با رد رویکردهای مسالمت آمیز، گروه های جهادی و ویرانگری چون داعش را به وجود آورده اند که می خواهند الگوی خلافت رشیدرضا را در موصل با زور و ترور به وجود آورند. تحلیل عمیق و دقیق نظریۀ خلافت رشیدرضا نشان می دهد که او به خاطر جمع تناقض آمیز عقلانیت مدرن و سلفی، نظام اندیشه ای و ساختار ناهماهنگی طراحی کرده است که از سویی نظام سیاسی اش قابلیت اجرا ندارد و از سویی نظام اندیشه ای آن عقلانیت و نظام تفسیری دین و نظام عرفانی صوفیانۀ اهل سنت را در هم ریخته و دچار بحران کرده است. و گروه هایی چون داعش، القاعده و ... محصول این بحران اندیشه ای می باشد.

**Abstract**

Political jurisprudence، as one of the central sciences in Islamic sciences، has a decisive role in organizing the thought and political behavior of Islamic societies. The victory of the Islamic Revolution of Iran، which is based on the political theories of Shiite jurisprudence، raised the hope that in the Sunni space، Islamic currents could overthrow the authoritarian، secular and dependent governments of these countries and rule Islamic and independent governments in these countries. Although some of the weaknesses of Sunni political principles، such as the acceptance of the oppressive sultan and the emphasis on pure obedience to the sultans، etc.، have caused the current of traditional Sunni jurists to be completely in line with authoritarian currents، but religious reformers and intellectuals The Sunni theologians، the most prominent of which is the Muslim Brotherhood، claimed to have corrected these weaknesses in Sunni thought. These currents claimed reform، this time by revolutionaries and protesters in the Islamic world، and were able to take the lead in these movements. Among the famous Sunni jurists who claim reform in the Sunni world، Seyyed Mohammad Rashid Reza، the senior student of Abdu and the heir of Seyyed Jamal al-Din Asadabadi and the master and mentor of Hassan al-Banna، the mentor of the Muslim Brotherhood، has a special place and is a kind of intellectual reference of the Muslim Brotherhood and groups. It is considered a split from this stream. In a way that after several decades، it has been able to maintain its position in the intellectual authority of the Sunnis. Especially in recent times، the formation of ISIL based on the theory of his caliphate in the city of Mosul has highlighted his position. The existence of three major approaches of Sufism، Salafism and intellectualism in his thought and the strange combination of these conflicting ideas in his traditional political thought and jurisprudence has made his personality and thought more complex. The complexity and contradiction that the author believes has caused the main confusion of the reformist and revolutionary currents in the Sunnis; Therefore، their jurisprudential and theological reforms and initiatives، instead of correcting the weaknesses of Sunni thought، have actually complicated these problems and destroyed many of the strengths of this system of thought. And this is one of the main reasons for the failure of the Islamic awakening in the Sunni atmosphere. In this article، first، with a brief overview، the strengths and weaknesses of traditional Sunni political jurisprudence are expressed، then the capacities of Sunni political jurisprudence according to the initiatives and reforms of Seyyed Mohammad Rashid Reza are examined and criticized.



**Al-Mustafa International University**

**PhD Thesis in “Contemporary Muslim Thought”**

Title:

**A Study and Critique of the Capacities of Sunni Political Jurisprudence in Realizing the Islamic Awakening with Emphasis on the Thought of Seyyed Mohammad Rashid Reza**

**Supervisor:**

Dr. Mohammad Javad Norouzi

**Advisor:**

Dr. Hassan Ghaffarifar

**By:**

**Seyed Mohammad Hadi Pishvaei**

**July 2020**